مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۱۷ ، پاییز ۱۳۹۸جلد۳، ص ۱۷-۱۱
http://www.jrse.ir

شرطیت عقل در طرفین عقد از دیدگاه مذاهب اسلامی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۱۷-۱۱

قاسم شفیعی[۱]، محسن شفیعی[۲]، افراسیاب صالحی شهرودی[۳]

[۱] هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

[۲] هیات علمی دانشگاه علوم دریایی چابهار

[۳] هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

نویسنده مسئول:

افراسیاب صالحی شهرودی

چکیده

عقلانیت ازجمله شروط صحت عقد در قانون مدنی می باشد، این نکته در کتب فقهی نیز مورد توجه بوده است، اما اختلافات موجود در این کتب، نشان از ضرورت پرداختن به تعریف دقیقی از عقلانیت و عدم بهره مندی از عقل را نشان می دهد؛ در تحقیق پیش رو به بررسی تعریف عقل در متون سنتی و دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در مورد شرطیت عقل در طرفین عقد ومستندات مورد توجه آنها از کتاب، سنت و... در این مورد خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: شرطیت عقل،بیع،عقد، فقه امامیه، فقه اهل سنت

مقدمه:

بهره مندی از عقل اصلی ترین شرط در قراردادهای طرفینی است، این شرط از ابتدا در متون فقهی شیعه و سنی وارد شده است اما مرزهای بهره مندی از عقل و فقدان آن در این متون با جزئیات تبیین نشده است امروز پیشرفتهای حاصل شده در علم روانشناسی ابعاد جدیدی از این مسئله را نمایانده است به عنوان مثال در جدیدترین معیار برای دسته بندی اختلالات روانی تحت عنوان «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی» که شامل توصیف علائم و سایر معیارها برای تشخیص اختلالات روانی است، این اختلالات در ۲۱ گونه طبقه بندی شده است، برخی از آنها عبارتند از اختلالات اسکیزوفرنی، اختلالات دو قطبی و اختلالات مرتبط با آن، اختلالات مرتبط با ضربه و عوامل تنش زا، اختلالات تجزیه ای، اختلالات عصبی- رشدی اختلالات وسواس فکری، اختلالات رفتار ایذایی و...[۴]

به نظر می رسد پرداختن به این دستاوردها و استخراج احکام مربوط به هریک از انواع اختلالات می تواند به غنای مباحث فقهی بیفزاید.

در این پژوهش بعد از تعریف عقل به برسی ادله امامیه و سایر مذاهب اسلامی در باب شرطیت عقل در طرفین عقد خواهیم پرداخت.

معنای لغوی و اصطلاحی عقل

عقل از نظر لغوی به معنای مهار و کنترل و جلوگیری آمده است . جوهری می‌گوید :« **العقلُ الحجرُ والنهی** »[۵] و به وسیله‌ای که شتر را با آن می‌بندند «عقال» گفته می‌شود ؛ چون شتر را از حرکت باز می‌دارد[۶] . عقل به معنای تعقل و فهم اشیاء نیز آمده است چنانکه در تعریف عقل آمده : « **العقلُ مایکون به التفکیرُ و الاستدلالُ و ما به یتمیّز الحَسَنُ من القبیح و الخیر من الشَّرِّ و الحقُ من الباطل** »[۷] عقل ، نیرویی است که درک و فهم اشیاء به وسیلهٔ آن است و به کمک آن نیک از بد و نیکی از بدی و حق از باطل تشخیص داده می‌شوند و گفته‌اند عقل ، نقیض جهل است .[۸]

راغب عقل را چنین تفسیر می‌کند :« **عرّف العقل بأنّه القدرة المتهیئة لقبول العلم وفقدها یرفع التکالیف الشرعیة**»[۹] عقل ، نیرویی است که آمادهٔپذیرش علم است و نبودن آن تکالیف شرعی را از انسان برمی‌دارد .

لغت شناسان به استعمال عقل در معانی « قلب » ، « تمییز » ، « تأمل در کارها » ، « قلعه و حصن»، « دیه » ، « قوه » و «استعدادی که با آن آگاهی و علم تحقق می‌یابد» هم تصریح کرده‌اند .[۱۰]

به نظر می‌رسد تمام این معانی در معنای جامعِ «جلوگیری و نهی کردن » ریشه دارد ، براین اساس ، «قلعه و حصن» بدان سبب که مانع ورود دشمن می‌گردد ، عقل خوانده می‌شود ، چنان که بر «دیه» ، باتوجه به آن که از ریختن خونِ یک انسان جلوگیری می‌کند ، عقل اطلاق می‌گردد ، به بیان دیگر ، واژهٔ «عقل» در اصل جامد و به معنای « منع کردن » است و گاهی عرب مانند بسیاری از واژه‌های دیگر، آنرا در معنای اشتقاقی‌اش ، یعنی «مانع» به کار برده و در عین مصدر بودن، معنای اسم فاعلی از آن اراده کرده است بنابراین «عقل» در معناهایی نظیر «تمییز» و «تأمل» و همچنین در معناهایی مثل «حصن» ، «دیه» ، «قوه» و «استعداد علم» بکار رفته است.

احمدبن فارس ، پس از این که بسیاری از معانی عقل را به «حبس کردن یا چیزی نزدیک به آن» بر می‌گرداند ، می‌گوید :«**من ذلک :العقل و هوالحابس عن ذمیم القول والفعل**».[۱۱]

از این قبیل است «عقل به معنای معروفش، چرا که عقل ، عاقل را از قول و فعل نکوهیده باز می دارد و حبس می‌کند.»

---

[۴] - غلامی، نبی اله و دیگران، «مفهوم جنون در قانون مجازات اسلامی؛ موضوعیت یا طریقیت» فصلنامه حقوق پزشکی سال دوازدهم، شماره چهل وچهارم، بهار ۷۹

[۵]ـ جوهری ، اسماعیل بن عباد ، «تاج اللغه و صحاح العربیه» ، ج۵ ، ص۱۷۶۹ .

[۶]ـ «همان مدرک »، ص ۱۷۷۱ :« عقلت البعیر أعقله عقلاً و هو أن تثنی وظیفهٔ مع ذراعه فتشدّهما جمیعاً فی وسط الزراع و ذلک الحبل هوالعقال » .

[۷]ـ سعدی ، ابوحبیب ، « القاموس الفقهی» ، ص۲۹۴ ، ابراهیم انیس و دیگران ، «المعجم الوسیط» ، ص۶۱۶ .

[۸]ـ فراهیدی ، خلیل بن احمد ، «العین» ، ج۱ ، ص۱۵۹ .

[۹]ـ راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، «المفردات فی غریب القرآن » ، ص ۲۴۱ .

[۱۰]ـ ابن فارسی ، احمد ، « معجم مقاییس اللغه »، ج ۴ ، ص ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ .

[۱۱]ـ «همان مدرک» ، ج۴ ، ص ۶۹ و ۷۱ .

اشتراط عقل از دیدگاه امامیه :

بهره مندی از عقل از شرایط مهم و اساسی برای طرفین عقد است که پایهٔ تکلیف پذیری و از شروط اساسی مسئولیت می‌باشد ، بنابراین کسی بنا به دلایلی اعم از عارضی مانند مستی ، بیهوشی یا مادرزادی و موروثی مانند جنون و دیوانگی فاقد این نیروی گردد، مسئولیت از وی رفع شده و حق انجام اموری مثل معاملات و . . . از او سلب می‌گردد .

دلیل فقهاء شیعه در اشتراط عقل برای متعاملین

اجماع:

شرطیت بهره مندی از عقل برای متعاقدین مورد اجماع علماء می‌باشد و عدم اشاره به این شرط در آثار برخی از فقهاء به خاطر بداهت آن بوده است.[۱۲]

محقق حلی در اشاره به شرطیت عقل برای متعاقدین می فرمایند: «فمنها ما یتعلق بالمتعاقدین و هو البلوغ والعقل و الاختیار» از جمله شرایطی که مربوط به متعاقدین است بلوغ، عقل و اختیار می باشد.[۱۳] همچنین علامه حلی در کتب قواعد الاحکام[۱۴]،تذکره الفقهاء[۱۵] و نهایه الاحکام[۱۶] وشهید اول در کتاب الدروس الشرعیه[۱۷] وشهید ثانی در مسالک الافهام[۱۸]از جمله اندیشمندانی هستند که این شرط را بیان نموده اند.

علاوه بر فقهای مذکور برخی دیگر از فقهاء، علاوه بر بیان شرط بودن عقل برای طرفین عقد، ادعای اجماع فقها را نسبت به این موضوع در کتب فقهی خود ذکر کرده‌اند که عبارتند از ؛

۱. محقق نراقی : « **ومنها :العقل ، فلایصح بیع المجنون و لاالمغمی‌علیه ، و لا السکران ، بلاخلافٍ** .»[۱۹] و از جملهٔ شرایط عقل است پس بیع مجنون(دیوانه) و مغمی علیه (بیهوش) و سکران (مست) بدون هیچ خلافی صحیح نمی‌باشد .

۲. سیدعلی طباطبائی: « **یشترط فی المتعاقدین کمال العقل . . . بلاخلاف أجده.**»[۲۰]در متعاقدین کمال عقل ، بدون هیچ خلافی که من یافته باشم شرط می‌باشد .

۳. مقدس اردبیلی : « **و قد ادعی الاجماع علی اعتبار العقل و عدم صحهٔ معاملهٔ المجنون و یدلُّ علیه العقل** »[۲۱] ادعای اجماع بر عقل و عدم صحت معاملهٔ مجنون شده است و براین مطلب عقل دلالت می‌کند .

کتاب

آیه شریفه : «و لا تؤتوا السفهاء أموالکم التی جعل اللّه لکم قیاما[۲۲]» علاوه بر اجماع، از دلایل شرطیت عقل در متعاقدین می باشد.

تقریر استدلال: آیه شریفه «و لا تؤتوا السفهاء أموالکم التی جعل اللّه لکم قیاما » گرچه مربوط به سفهاء است و نمی توان به آن در مورد مساله به صورت مستقیم و از لحاظ منطوق استناد کرد، اما با پذیرش مفهوم اولویت استدلالی بدین ترتیب شکل می دهیم : سفیه در

---

[۱۲] - الحسینی العاملی،محمد جواد،«مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه»،محقق:محمد باقر الخالصی،موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین،قم،ایران،بی تا،ج۱۲،ص۵۵۱ .

[۱۳] -حلی، محقق، نجم الدین،جعفربن حسن، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، محقق:عبدالحسین محمد علی بقال،ناشر اسماعیلیان چاپ دوم ۱۴۰۸ ه. ق ،قم، ایران،ج۲،ص۸.

[۱۴] -حلی، علامه،حسن بن المطهرالاسدی،«قواعد الاحکام»،جامعه مدرسین،قم ،ایران،بی تا،ج۲،ص۱۷.

[۱۵] -حلی، علامه،حسن بن المطهرالاسدی،«تذکره الفقهاء»،تحقیق موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث،ناشر موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث چاپ اول ۱۴۲۰ ه.ق،قم ایران،ج،۱۰،ص۱۱.

[۱۶] -حلی، علامه،حسن بن المطهرالاسدی،«نهایه الاحکام»،تحقیق سید مهدی رجائی،ناشر اسماعیلیان، چاپ دوم ۱۴۱۰ ه.ق،قم ایران،ج۲،ص۴۵۵ .

[۱۷]- عاملی شهید اول،محمد بن مکی بن محمد شامی،«الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه»،ناشر ثنشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین،قم ، ایران،بی تا،ج۳ ، ص۱۹۲ .

[۱۸]-عاملی،شهید ثانی،«مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام»، موسسه المعارف الاسلامی،بی تا،بی جا ،ج ۳،ص۱۵۴ .

[۱۹]ـ النراقی ، احمد بن محمد مهدی، » مشارق الأحکام » ، ج ۱۴ ، ص۲۶۶ .

[۲۰]ـ طباطبائی ، علی ، الریاض ، « المسائل فی بیان الأحکام الشرع بالدلائل »،ج ۸ ،ص ۱۱۴ .

[۲۱]ـ مقدس اردبیلی ، « مجمع الفاعدهٔ و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان » ج ۸ ، ص ۱۵۵ .

[۲۲] -سوره نساء،ایه ۵.

مرتبه ای بالاتر از مجنون به لحاظ عقلی است، اما با این وجود ممنوع المعامله است پس به طریق اولی مجنون ممنوع المعامله است. به نظر این اولویت قابل پذیرش است.

سنت:

از موارد مورد استناد دیگر، حدیث شریف رفع است:

پیامبر اکرم(ص) فرمودند : « **قلم از سه گروه برداشته شد :از مجنون، تا هنگامی که بهبودی حاصل نماید و از کودک تا رسیدن به بلوغ و از شخص خواب، تا زمانی که بیدار شود.**»[۲۳]

همانطور که قبلاً بیان شد ، انسان مَست به خاطر نداشتن عقل از انجام عقد محجور است و این مطلب بدون هیچ گونه قیدی در تمامی کتب فقهی علماء شیعه بیان گردیده است، البته دو فقیه بزرگوار ، محقق حلّی[۲۴] و علامه حلی[۲۵] یک قید برای «سکران » می‌آورند و می-فرمایند : «**سکران غیر ممیز ، عقدش باطل است** » ظاهراً افراد مست را به دو دسته تقسیم می‌نمایند : ۱ـ سکران ممیز ۲ـ سکران غیر ممیز که قسم اول عقدش صحیح می‌باشد .

به نظر می‌رسد ، کلام این دو بزرگوار نیز قابل توجیه می‌باشد ، به این صورت که قید «غیرممیز» در کلام ایشان را توضیحی بگیریم و نه احترازی ؛ چرا که انسان مست اگر مست است که حالت تمییز ندارد و اگر حالت تمییز دارد دیگر مست نیست .

گفتار دوم: اشتراط عقل از دیدگاه اهل سنت

تمامی فقهاء اهل سنت بر این مطلب متفق می‌باشند که بیع مجنون و بیهوش منعقد نمی‌گردد و این مطلب را در ضمن شرط تمیز قرارداده اند .

در مذهب حنفی عاقد باید عاقل یا ممیز باشد پس بیع و شراء مجنون و صغیر غیر ممیز و مست و بیهوش را صحیح نمی‌دانند و در واقع ایشان تمیز را از شرایط انعقاد می‌دانند[۲۶]. مالکی هم معتقد است بایع و مشتری باید ممیز باشند پس بیع صبی غیر ممیز و مجنون و بیهوش صحیح نیست ، امّا ایشان در مورد مست دارای دو قول متفاوت می‌باشند و به این صورت می‌گویند :

« **بیع غیر ممیز (غیر عاقل) منعقد نمی‌گردد مگر اینکه عدم تمییز به خاطر مستی عمدی باشد که در اینجا دو قول وجود دارد : قول ابن شعبان و ابن شاس و ابن حاجب و پیروان ایشان ، که می‌گویند : بیع شخص مست منعقد نمی‌گردد. و قول باجی و ابن رشد و صاحب اکمال ، که می‌گویند بیع وی منعقد می‌گردد.** »[۲۷]

شافعیه اولین شرط متعاقدین را رشد می‌دانند و در تعریف رشد می‌گویند : یعنی بالغ و عاقل باشد و صلاح دین و مالش را بداند[۲۸].

حنابله نیز می‌گویند :« **المجنونُ کالصغیر فی احکام الحجر** »[۲۹] مجنون در احکام حجر مثل صغیر می‌باشد و در نظر ایشان بیع صبی غیر ممیز در اشیاء کوچک بدون اذن ولی جایز می‌باشد که تمامی مذاهب با ایشان مخالف می‌باشند .[۳۰]

با وجود اینکه شافعیه به صراحت عقل را از شرایط متعاقدین می‌دانند اما بیع و شراء انسان مست را جایز می‌شمارند ، محیی‌الدین النووی از فقهای بزرگ شافعی می‌گوید :

«**أمّا السکران فالمذهب صحۀ بیعه و شرائه و سائر عقوده التی تضره و التی تنفعه و الثانی لایصح شیء منها و الثالث یصح ما علیه دون ما له فعلی هذا یصح بیعه و هبته دون ایهابه و تصح ردّته دون اسلامه**».[۳۱] یعنی: نسبت به سکران در مذهب ما سه قول وجود دارد : قول اول : صحت بیع و شراء و سایر عقود وی ، چه به ضررش باشد چه به نفعش ؛ قول دوم هیچ یک از عقود و ایقاعاتش صحیح نیست . قول سوم : آنچه به ضررش است صحیح است ولی آنچه که به نفعش می‌باشد صحیح نیست بنابراین بیع و هبه‌اش صحیح می‌باشد ولی پذیرفتن هدیه ، صحیح نمی‌باشد و نیز مرتد شدنش پذیرفته می‌شود ولی اسلامش پذیرفته نمی‌شود .

---

[۲۳]ـ عاملی ، حرّ، «وسائل الشیعه »ج ۱ ، ص ۴۵ ، باب ۴ ،از مقدمات عبادت، ح۱۱ .

[۲۴]ـ محقق حلی ، «شرائع الإسلام » ، ج ۲ ، ص ۲۶۸ .

[۲۵]ـ علامه حلی ، «تحریر للأحکام ، ج۲ ، ص ۲۷۶ .

[۲۶]ـ ابن عابدین ، « ردالمختار علی الدر المختار »، ج ۵ ،ص۸ .

[۲۷]ـ المغربی ، محمد بن محمد بن عبد الرحمان،الرعینی،الحطاب،«مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل» ، ناشر : دار الفکر چاپ سوم، ۱۴۱۲هـ ، ج۶ ، ص ۳۱ .

[۲۸] ـ الزحیلی ، وهبۀ، «الفِقْهُ الإسلامیُّ وأدلَّتُهُ » ، ناشر:دار الفکر ، دمشق، چاپ چهارم ج ۵ ، ص ۳۳۵۶ .

[۲۹]ـ الجزیری ،عبدالرحمن ،«الفقه علی المذاهب الاربعۀ و مذهب اهل البیت» ، ج۲ ، ص۴۲۶ .

[۳۰]ـ «همان مدرک» ، ص۲۰۸ .

[۳۱]ـ النووی ، محیی الدین، «الجموع شرح المهذب الشیرازی » ، ج۹ ، ص ۱۸۸ .

ایشان در کتاب روضۀ الطالبین به این مطلب تصریح می‌نماید :« **و یَصِحُّ بیعُ السکران و شراؤه علی المذهب**»[۳۲]. بیع و شراء مست بنابر مذهب صحیح می‌باشد.

[۳۲]ـ النووی ،محیی الدین ، «روضه الطالبین» ، ج ۳ ، ص ۹ .

نتیجه گیری:

در نقد دلایل باید به این نکات توجه داشت:

اولا: ادعای اجماع فقها نمی تواند مستندی برای شرط بودن عقل در طرفین عقد باشد زیرا این اجماع مدرکی و فاقد اعتبار است، لذا باید مدارک دیگر مورد بررسی قرار گیرد، واگر مورد قبول واقع نشد در مرحله بعد که مدارک نقصان پیدا کرد می توان به این قبیل اجماعات متمسک شد.

ثانیا: استدلال به آیه شریفه و حدیث رفع تام بوده ومورد پذیرش است.

ثالثا: یکی دیگر از مستندات این مساله را می توان دلیل عقلی برشمرد همانگونه که محقق اردبیلی با عبارت:« ویدل علیه العقل» به آن اشاره نمودند.

رابعا: از جمله مواردی که ضرورت طرح مباحث جدید در این موضوع را آشکار می کند پیشرفتهایی است که در بستر علم روانشناسی حاصل شده و در آن اختلالات در درک را به انواعی تقسیم کرده اند.

یکی از علل اختلافات مطرح شده در نظرات فقها، عدم ورود به جزئیات مربوط به این اختلالات می باشد؛ به عنوان مثال دانستن تعریف عقل در دیدگاه فقیهی که معتقد است -ضررهایی که فرد فاقدِ عقل در یک قرارداد به خود می زند، قانونی و شرعی و قراردادهایی که به نفع همین فرد بسته می شود باطل است- فهم نظر او را آسانتر خواهد کرد.

منابع:

قرآن کریم
ابراهیم انیس و دیگران ، المعجم الوسیط ، تهران ، ناصر خسرو ، چاپ دوم ، بی تا .
ابن فارس زکریا ، احمد ، معجم مقاییس اللغۀ ، تحقیق :عبدالسلام هارون ، بی جا ، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ هـ . ق .
ابن عابدین ، محمد ، حاشیۀ رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار ، بیروت :دارالفکر ، ۱۴۱۵ هـ ق .
جزیری ، عبدالرحمن ،الغروی، السید محمد ؛ مازح ، الشیخ یاسر ، الفقه علی المذاهب الأربعۀ و مذهب أهل البیت ،بیروت :دارالثقلین ، ۱۴۱۹ هـ . ق .
جوهری ،اسماعیل بن عباد ، تاج اللغۀ و صحاح العربیه ، تحقق : احمد بن عبدالغفور ـعطار ، بیروت :دارالعلم ، ۱۴۰۷ هـ ق .
حسینی العاملی،محمد جواد،«مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه»،محقق:محمد باقر الخالصی،موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین،قم،ایران،بی تا
حلی، محقق، نجم الدین،جعفربن حسن، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، محقق:عبدالحسین محمد علی بقال،ناشر اسماعیلیان چاپ دوم ۱۴۰۸ ه. ق ،قم، ایران
حلی ، یوسف بن علی ، نهایه الاحکام فی معرفه الأحکام ، تحقیق : السید مهدی رجایی ، قم : اسماعیلیان ، چاپ دوم ، ۱۴۱۰ هـ . ق .
حلی ، یوسف بن علی ، قواعدالأحکام فی معرفه الحلال و الحرام ، قم : نشر اسلامی ،۱۴۱۹ هـ . ق .
حلی ، یوسف بن علی ، تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه ، تحقیق : ابراهیم بهادری ، قم : مؤسسۀ امام صادق(ص) ، چاپ اول ، ۱۴۲۰ هـ . ق .
حلی، یوسف بن علی ، التذکره الفقهاء ، قم : آل البیت لإحیاء التراث ، ۱۴۲۰ هـ . ق .
راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، بیروت :دارالمعرفه ، بی تا .
الزحیلی ، وهبۀ، «الفِقْهُ الإسلامیُّ وأدلَّتُهُ » ، ناشر:دار الفکر ، دمشق، چاپ چهارم.
سعدی ،ابوحبیب ،القاموس الفقهی ، دمشق : دارالفکر ، چاپ دوم ،۱۴۰۸ هـ . ق .
طباطبائی ، سیدعلی ، (صاحب ریاض) ، ریاض المسائل فی بیان الأحکام الشرع بالدلائل ،قم : نشر السلامی ، ۱۴۱۹ هـ . ق
عاملی ،حرّ ، محمدبن الحسن ، وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشرعیۀ ، تعلیقۀ عبدالرحیم ربانی شیرازی ، بیروت :دار احیاء التراث العربی ، بی تا .
عاملی،شهید ثانی،«مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام»، موسسه المعارف الاسلامی،بی تا،بی جا
عاملی، محمد بن مکی بن محمد شامی،«الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه»،ناشر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین،قم ، ایران،بی تا
غلامی، نبی اله و دیگران، «مفهوم جنون در قانون مجازات اسلامی؛ موضوعیت یا طریقیت» فصلنامه حقوق پزشکی سال دوازدهم، شماره چهل وچهارم، بهار ۷۹
فراهیدی ، خلیل بن أحمد ، العین ، تحقیق :مهدی مخزومی ، ابراهیم سامرای ، بی جا : مؤسسۀ دارالهجره ، چاپ دوم ، ۱۴۰۹ هـ . ق .
مقدس اردبیلی ، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان ، تحقیق : اشتهاردی و عراقی و یزدی ، قم : نشر اسلامی ، ۱۴۱۱ هـ . ق .
مغربی ، محمد بن محمد بن عبد الرحمان،الرعینی،الحطاب،«مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل» ، ناشر : دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۲هـ
نراقی ، احمدبن مهدی ، مشارق الأحکام ، تهران : بی جا ، بی نا ، بی تا .
النووی ، محیی الدین ، روضه الطالبین ، بیروت : دارالفکر ، ۱۴۱۵ هـ . ق .
النووی ، محیی الدین ، المجموع شرح المهذب الشیرازی ، جدّه : مکتبه الإرشاد ، بی تا .